

جنبش و دسامبر به آن رسیده بود ، فراتر رود یعنی از مرحله قطع جنگ داخلی و تدارك جنگ مقاومت بمرحله مقاومت عملی وارد شود . بجاست که نخستین تغییر در سیاست گومیندان که حادثه سی ان و سومین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان مبداء آن بود ، اظهاریه ۱۷ ژوئیه آقای چانگایشک در لو شان راجع به مسئله مقاومت در برابر ژاپن و بسیاری از اقدامات وی در زمینه دفاع ملی همگی مورد تأیید قرار گیرند . سپاهیان جبهه اعم از نیروهای زمینی و هوایی یا واحدهای مسلح محلی همه دلیرانه جنگیدند و روحیه قهرمانی ملت چین را از خود نشان دادند . حزب کمونیست چین بنام انقلاب ملی به همه سپاهیان و هموطنان میهن پرست سراسر چین بگرمی تمام درود میفرستد .

ب - اما از سوی دیگر حتی پس از حادثه لوگو چیاو در ۷ ژوئیه مقامات گومیندان سیاست غلطی را که از زمان حادثه ۱۸ سپتامبر دنبال کرده‌اند ، ادامه می‌دهند ، بسازش و مصالحه می‌پردازند (۱) ، شور و شوق سپاهیان میهن پرست را خفه میکنند و جنبش نجات ملی مردم میهن پرست را سرکوب مینمایند . تردیدی نیست که امپریالیسم ژاپن پس از تصرف بی‌پین و تیانزین ، با تکیه بر نیروی نظامی بهیمی خود و با پشتیبانی امپریالیسم آلمان و ایتالیا و با بهره‌برداری از نوسانات امپریالیسم انگلستان و جدا شدن گومیندان از توده‌های وسیع خلقی زحمتکش ، سیاست خود را دایر بر حملات دامنه‌دار سرسختانه ادامه خواهد داد ، گامهای دوم و سوم را بر طبق نقشه عملیات جنگی که قبلاً ترسیم شده ، بر خواهد داشت و حملات شدیدی را در سراسر شمال چین و مناطق دیگر آغاز خواهد کرد . هم اکنون شعله‌های جنگ در چاهار و شانگهای زبانه میکشد . برای نجات میهن از خطر اسارت ، برای مقاومت در برابر حملات مهاجمین نیرومند ،

برای دفاع از شمال چین و سواحل کشور و برای باز پس گرفتن بی پین ، تیانزین و شمال شرقی چین ، قاطبه خلق و مقامات گومیندان باید از سقوط شمال شرقی چین ، بی پین و تیانزین عمیقاً درس بگیرند ، از انقیاد حبشه عبرت گیرند ، از پیروزیهای گذشته اتحاد شوروی بر دشمنان خارجی بیاموزند (۲) ، خود را با تجربه کنونی اسپانیا که با موفقیت از مادرید دفاع میکند ، آشنا سازند (۳) ، بی تزلزل با یکدیگر متحد شوند و برای دفاع از میهن تا پایان بجنگند . از این پس وظیفه ما عبارت است از "بسیج همه نیروها بخاطر پیروزی در جنگ مقاومت" ، و کلید انجام این وظیفه تغییر کامل و ریشه‌ای سیاست گومیندان است . گامی که گومیندان در مسئله مقاومت به پیش برداشت ، باید مورد تمجید واقع شود ؛ این همان چیزی است که حزب کمونیست چین و خلق سراسر کشور سالها پیش در انتظار آن بودند و ما از آن استقبال میکنیم . اما گومیندان سیاست خود را در مسایلی مانند بسیج توده‌ها و اجرای اصلاحات سیاسی همچنان تغییر نداده است . وی بطور کلی هنوز خواستار آن نیست که هر گونه ممنوعیتی بر جنبش ضد ژاپنی خلق را لغو کند یا در دستگاه دولتی تغییرات اساسی بدهد ؛ وی هنوز برای بهبود شرایط زندگی مردم سیاستی ندارد ، و هنوز در همکاری با حزب کمونیست چندان صدیق نیست . چنانچه گومیندان در این لحظه بحرانی مرگ و زندگی ، همان سیاست مذکور خود را دنبال کند و آن را سرعت تغییر ندهد ، به جنگ مقاومت ضد ژاپنی صدمات سختی وارد خواهد آورد . برخی از اعضای گومیندان میگویند : اصلاحات سیاسی را به بعد از پیروزی در جنگ مقاومت موکول کنیم . آنها تصور میکنند که مهاجمین ژاپنی را میتوان فقط با مساعی دولت شکست داد ، اما آنها اشتباه میکنند . در جنگ مقاومت ، در صورتیکه دولت به

تنهائی بچنگد ، ممکن است در تعداد کمی از نبردها پیروزی بدست آورد ، ولی ممکن نیست مهاجمین ژاپنی را بطور کامل شکست داد . شکست کامل مهاجمین ژاپنی فقط از راه يك جنگ مقاومت همگانی که همه ملت را دربر گیرد ، میتواند جامه عمل بپوشد . معذک چنین جنگی ایجاب میکند که سیاست گومیندان کاملاً و از ریشه تغییر کند و همه ملت از صدر تا ذیل بکوشش مشترکی دست زنند تا برنامه کامل مقاومت در برابر ژاپن را بمرحله اجرا گذارند یعنی يك برنامه نجات میهن ملهم از سه اصل انقلابی خلق و سه اصل سیاسی اساسی که دکتر سون یاتسن شخصاً طی نخستین دوران همکاری گومیندان و حزب کمونیست آنها را تدوین کرد .

ج - حزب کمونیست چین با گرمی تمام به گومیندان ، به تمام خلق ، به احزاب و گروههای سیاسی ، به محافل مختلف و به کلیه نیروهای مسلح يك برنامه نجات میهن ده مادهای برای غلبه کامل بر مهاجمین ژاپنی پیشنهاد میکند . حزب کمونیست چین اعتقاد راسخ دارد که فقط با اجرای تمام و کمال ، صدیقانه و مصممانه این برنامه ممکن است از میهن دفاع کرد و بر مهاجمین ژاپنی پیروز گردید . در غیر اینصورت مسئولیت بر عهده کسانی خواهد بود که دودستی بکهنه میچسبند و میگذارند که وضع بوخامت گراید ؛ آنگاه که کشور به اسارت در آمد ، زاری و افسوس دیگر سودی نخواهد داشت . این برنامه نجات میهن ده مادهای بقرار زیر است :

۱ - مرنگون ساختن امپریالیسم ژاپن :

قطع رابطه سیاسی با ژاپن ، اخراج مأمورین ژاپنی ، توقیف جاسوسان ژاپنی ، مصادره اموال ژاپن در چین ، لغو وامهای ژاپن ، الغاء قراردادهائی که با ژاپن امضا شده ، و باز ستاندن تمام مناطقی که تحت امتیاز ژاپن قرار دارند .

تا آخرین نفس بخاطر دفاع از شمال چین و سواحل کشور نبرد کردن .
تا آخرین نفس بخاطر پس گرفتن بی پین ، تیانشین و شمال شرقی چین
جنگیدن .

امپریالیستهای ژاپن را از چین بیرون راندن .

با هرگونه تزلزل و سازش بمبارزه برخاستن .

۲ - بسیج عمومی نظامی تمام کشور :

بسیج همه نیروهای زمینی ، دریائی و هوائی بخاطر جنگ مقاومت در
مقیاس تمام کشور .

مخالفت با رهنمود جنگی پاسیف و صرفاً دفاعی و قبول رهنمود جنگی
فعال و مستقل .

تشکیل يك شورای دائمی دفاع ملی برای آنکه در مورد نقشه‌های
دفاع ملی و رهنمود جنگی به بحث پردازد و تصمیم بگیرد .

مسلح ساختن مردم و بسط جنگ پارتیزانی ضد ژاپنی بخاطر همسوئی با
عملیات نظامی نیروهای عمده .

اصلاح کار سیاسی در ارتش برای نیل به وحدت میان افسران و سربازان .
ایجاد وحدت میان ارتش و خلق و تقویت روحیه ابتکار در ارتش .
پشتیبانی از ارتش متفق ضد ژاپنی شمال شرقی و خراب کردن پشت
جبهه دشمن .

تأمین تدارکات همانند برای همه سپاهیان که در جنگ مقاومت شرکت
دارند .

ایجاد مناطق نظامی در سراسر کشور ، بسیج قاطبه ملت برای شرکت
در جنگ و بدین ترتیب انتقال تدریجی سیستم سربازگیری مزدوری به
سیستم خدمت وظیفه عمومی .

۳ - بسیج عمومی خلق سراسر کشور :

دادن آزادی بیان ، مطبوعات ، اجتماعات و اتحادیه‌ها به تمام خلق کشور (به استثنای خائنین بملت) بخاطر مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن و دادن این حق به آنها که علیه دشمن اسلحه بدست گیرند .

الغاء تمام قوانین و تصویب‌نامه‌های کهنه که برای جنبش میهن پرستانه خلق محدودیت‌هایی ایجاد میکنند و اعلام قوانین و تصویب‌نامه‌های جدید انقلابی .

آزادی تمام زندانیان سیاسی میهن پرست و انقلابی و لغو ممنوعیت احزاب سیاسی .

تمام خلق سراسر کشور باید بسیج شوند ، اسلحه بدست گیرند و در جنگ مقاومت شرکت جویند ؛ آنهايي که نیرو دارند ، نیرو در اختیار بگذارند ؛ آنهايي که پول دارند ، پول بدهند ؛ آنهايي که تفنگ دارند ، تفنگ بدهند ؛ آنهايي که معلومات دارند ، معلومات خود را عرضه دارند . بسیج اقلیتهای ملی مغول ، حوی و سایر اقلیتهای ملی در نبرد مشترك علیه ژاپن بر اساس حق تعیین سرنوشت خویش و اصل خود مختاری .

۴ - اصلاح دستگاه دولتی :

دعوت يك مجلس ملی که مرکب از نمایندگان واقعی خلق باشد بخاطر تصویب يك قانون اساسی واقعاً دموکراتیک و تعیین سیاست مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن و انتخاب يك دولت دفاع ملی .

دولت دفاع ملی باید عناصر انقلابی کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی و سازمانهای توده‌ای را دربر گیرد و عناصر هوادار ژاپن را از درون خود براند .

دولت دفاع ملی باید اصل مرکزیت دموکراتیک را بکار بندد و این دولت باید دموکراتیک و در عین حال متمرکز باشد .

دولت دفاع ملی باید سیاست انقلابی مقاومت در برابر ژاپن و نجات مین را بمرحله اجرا در آورد .

تأسیس حکومت‌های محلی خود مختار ، اخراج مأمورین فاسد و مختلس و ایجاد دولتی مرکب از عناصر پاک و منزه .

۵ - اتخاذ سیاست خارجی ضد ژاپنی :

بستن اتحاد ضد تجاوز و انعقاد پیمان‌های ضد ژاپنی بمنظور کمک نظامی متقابل با تمام کشورهای که مخالف با تجاوز ژاپن میباشند ، بشرط اینکه این امر به تمامیت ارضی و حق حاکمیت ما لطمه‌ای وارد نیآورد .
پشتیبانی از جبهه صلح بین‌المللی و مبارزه علیه جبهه تجاوز آلمان ، ژاپن و ایتالیا .

اتحاد با توده‌های کارگر و دهقان کره و ژاپن بر علیه امپریالیسم ژاپن .

۶ - اتخاذ سیاست مالی و اقتصادی زمان جنگ :

سیاست مالی باید بر این اصل استوار باشد که برای تأمین مخارج جنگ مقاومت ضد ژاپنی هر کس پول دارد ، پول پردازد و اموال خائنین بملت مصادره شود . سیاست اقتصادی باید این باشد : تنظیم و بسط تولید مربوط به دفاع ملی ، توسعه اقتصاد روستائی و تأمین کالاهای مورد نیاز زمان جنگ با نیروی خود ؛ تشویق مصرف کالاهای چینی ، بهبود محصولات محلی ؛ تحریم کامل کالاهای ژاپنی ؛ سرکوب محترکان و مبارزه با احتکار و دلالی .

۷ - بهبود شرایط زندگی مردم :

بهبود شرایط زندگی کارگران ، کارمندان و معلمین و نظامیان که علیه ژاپن می‌جنگند .

دادن امتیازات به خانواده‌های نظامیان که علیه ژاپن می‌جنگند .

لغو مالیاتهای کمرشکن و عوارض گوناگون .

تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود .

کمک به بیکاران .

تنظیم تدارک خواربار .

کمک به آسیب‌دیدگان بلایای طبیعی .

۸ - اتخاذ سیاست تربیتی ضد ژاپنی :

تغییر سیستم و برنامه موجود آموزش و پرورش و به تحقق در آوردن سیستم و برنامه جدید که هدف آن مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن باشد .

۹ - سرکوب خائنین بملت و میهن‌فروشان و هواداران ژاپن و تحکیم

پشت جبهه .

۱۰ - نیل به وحدت ملی بخاطر مبارزه علیه ژاپن :

ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی مرکب از تمام احزاب و گروه‌های سیاسی ، از محافل مختلف و همه نیروهای مسلح بر اساس همکاری گومیندان و حزب کمونیست بمنظور رهبری جنگ مقاومت ضد ژاپنی و مقابله مشترک با بحران ملی بر اساس وحدت صمیمانه .

د - باید سیاستی که مقاومت در برابر ژاپن را فقط به نیروهای دولتی محدود میسازد ، بدور انداخت و سیاست مقاومت همگانی قاطبه ملت را اجرا نمود . دولت باید با خلق متحد شود ، روح انقلابی دکتر سون یاتسن را کاملاً احیا کند ، برنامه ده ماده‌ای مذکور را بمرحله اجرا در آورد و برای نیل به پیروزی کامل در جنگ مقاومت ضد ژاپنی بکوشد . حزب کمونیست چین همراه با توده‌های مردم و نیروهای مسلح تحت رهبری خود بی‌تزلزل به این برنامه وفادار میماند ، در جبهه مقدم جنگ مقاومت ضد ژاپنی میایستد و از مام میهن تا آخرین قطره خون خود دفاع میکند . حزب کمونیست چین

با اجرای سیاست همیشگی خود آماده است با گومیندان و احزاب و گروه‌های سیاسی دیگر در يك صف قرار گیرد ، با آنها بطور فشرده متحد شود ، جبهه متحد ملی را بمثابة دیوار بزرگ محکم چین بنا سازد و مهاجمین منفور ژاپنی را شکست دهد و برای ایجاد چین نوین ، مستقل ، آزاد و سعادت‌مند بکوشد .

برای نیل به این هدف ما باید با قاطعیت تئوری خائنین را مبتنی بر تسلیم و سازش بدور افکنیم ، و در عین حال با شکست‌طلبی ملی که گویا ممکن نیست بر مهاجمین ژاپنی پیروز گردید ، مبارزه کنیم . حزب کمونیست چین اعتقاد راسخ دارد که مسلماً میتوان به هدف غلبه بر مهاجمین ژاپنی رسید ، بشرط اینکه برنامه ده ماده‌ای فوق بمرحله اجرا در آید . چنانچه ۵۰ میلیون هم‌میهن ما بکوشش برخیزند ، ملت چین مسلماً به پیروزی نهائی نائل خواهد آمد .

مرده باد امپریالیسم ژاپن !

زنده باد جنگ انقلابی ملی !

زنده باد چین نوین ، مستقل ، آزاد و سعادت‌مند !

یادداشتها

- ۱ - رجوع شود به یادداشت مقدماتی اثر « رهنمود ، تدابیر و دورنمای مقاومت در برابر تهاجم ژاپن » ، جلد حاضر .
- ۲ - رجوع شود به « تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی (دوره مختصر) » ، فصل ۸ .
- ۳ - در ۱۹۳۶ آلمان و ایتالیای فاشیست با استفاده از فرانکو ، دیکتاتور نظامی فاشیست اسپانیا جنگ تجاوزکارانه‌ای را علیه اسپانیا آغاز کردند . خلق اسپانیا تحت رهبری دولت جبهه توده‌ای قهرمانانه از دموکراسی در برابر تجاوز دفاع

کرد . نبرد مادرید پایتخت اسپانیا شدیدترین نبرد در سراسر جنگ بود . دفاع مادرید که در اکتبر ۱۹۳۶ آغاز گردید ، دو سال و پنج ماه ادامه یافت . در مارس ۱۹۳۹ مادرید سقوط کرد زیرا که انگلستان ، فرانسه و کشورهای امپریالیستی دیگر با سیاست مزورانه خود دایر بر "عدم مداخله" به متجاوزین یاری رساندند و اختلافاتی نیز در درون جبهه توده‌ای پدید آمد .

علیه لیبرالیسم

(۷ سپتامبر ۱۹۳۷)

ما طرفدار مبارزه فعال ایدئولوژیک هستیم ، زیرا این مبارزه سلاحی است که وحدت را در درون حزب و سازمانهای انقلابی بسود پیکار ما تضمین میکند . این سلاح را هر کمونیست و هر انقلابی باید بدست گیرد . اما لیبرالیسم مبارزه ایدئولوژیک را رد میکند و صلح و آرامش غیراصولی را توصیه مینماید و از اینرو موجب پیدایش یک شیوه عمل منحط و مبتذل میگردد و در حزب و سازمانهای انقلابی بعضی از واحدها و افراد را به فساد سیاسی میکشاند .

لیبرالیسم باشکال گوناگون تظاهر می یابد .

وقتی بروشنی معلوم شود که شخصی اشتباه کرده است ولی فقط باین علت که او یک نفر آشنا ، یک همشهری ، یک همکلاسی ، یک دوست صمیمی ، یکی از عزیزان ، یک همکار یا زیردست قدیمی است ، از بحث اصولی با او سرباز زدن ، برای حفظ صلح و دوستی کارها را بحال خود رها کردن ، یا بغاطر حفظ مناسبات حسنه بعرض حل نهائی مسایل بآنها بطور سطحی برخورد کردن . نتیجه این خواهد شد که هم جمع لطمه ببینند و هم شخص مورد نظر - اینست اولین شکل ظهور لیبرالیسم .

در غیاب افراد ، بدون احساس مسئولیت از آنها انتقاد کردن ، پیشنهادات خود را بطور فعال به تشکیلات ارائه ندادن . نظرات خود را در باره اشخاص در حضورشان مطرح نکردن ولی پشت سر آنها حرف زدن ؛ از صحبت در جلسات خودداری نمودن ، ولی پس از جلسه پرحرفی کردن . نسبت باصول زندگی کلکتیو بی‌اعتنا بودن و خود را به ولنگاری و بی‌بند و باری عادت دادن — اینست دومین شکل ظهور لیبرالیسم .

هر کاری که بشخص خود مربوط نباشد ، بدست پیشآمدها سپردن ؛ در صورت وقوف کامل به نادرستی مطلبی از اظهار نظر در باره آن تا حد ممکن خودداری کردن . رندانه در صدد حفظ و نگهداری خود بر آمدن و فقط شخص خود را از ارتکاب به اشتباه مصون نگاهداشتن — اینست سومین شکل ظهور لیبرالیسم .

از دستورات اطاعت نکردن و نظرات خود را بر آنها ارجح دانستن ؛ فقط از تشکیلات توقعات بیجا داشتن ولی از انضباط تشکیلاتی هویی نبردن — اینست چهارمین شکل ظهور لیبرالیسم .

بعوض اینکه بخاطر وحدت یا ترقی و یا بنظم و ترتیب در آوردن کارها به بحث و جدل پرداختن و علیه نظرات نادرست مبارزه کردن ، به حملات شخصی توسل جستن ، دعوا و مرافعه براه انداختن ، کینه و دشمنی خود را بیرون ریختن و انتقام جوئی کردن — اینست پنجمین شکل ظهور لیبرالیسم . رد نکردن نظرات نادرستی که شنیده میشود و حتی اظهارات عناصر ضد انقلابی را شنیدن ولی گزارش ندادن بلکه آنها را چنان با خونسردی تلقی کردن که گوئی اصلاً اتفاقی نیفتاده است — اینست ششمین شکل ظهور لیبرالیسم .

در میان توده‌ها بودن ولی تبلیغ و تهییج نکردن ، در جلسات صحبت

نکردن ، تحقیق نمودن ، از وضع توده‌ها سؤال نکردن ، بدرد توده‌ها نرسیدن ، در برابر توده‌ها بی تفاوت بودن ، فراموش کردن اینکه او یک کمونیست است و بالاخره یک عضو حزب کمونیست را با اشخاص معمولی غیر کمونیست همطراز ساختن - اینست هفتمین شکل ظهور لیبرالیسم .

در برابر اعمال کسیکه منافع توده‌ها را پایمال میکند ، خشمگین نشدن ، تذکر ندادن ، جلوی او را نگرفتن و برای او دلیل و منطق نیاوردن ، بلکه جلوی او را باز گذاشتن - اینست هشتمین شکل ظهور لیبرالیسم .

با جدیت کار نکردن ، برنامه معین و سمت مشخصی نداشتن ، بلکه کارها را بطور سرسری انجام دادن و زندگی را بدست پیشامدها سپردن - " تا زمانی که انسان راهب است ، فقط کارش بصدا در آوردن ناقوس است " - اینست نهمین شکل ظهور لیبرالیسم .

خویشتن را آنچنان شخصی دانستن که خدمات ذیقیمتی در راه انقلاب انجام داده است ، به سابقه خود نازیدن ، شایستگی انجام وظایف مهم را نداشتن ولی از بعهده گرفتن مأموریت‌های کم اهمیت‌تر سرباز زدن ، در کار لاقیدی و در تحصیل سستی از خود نشان دادن - اینست دهمین شکل ظهور لیبرالیسم .

به اشتباهات خود پی بردن ، ولی بخاطر اصلاح آنها تلاش نکردن ، نسبت به شخص خود روش لیبرالیستی اتخاذ کردن - اینست یازدهمین شکل ظهور لیبرالیسم .

البته میتوان موارد دیگری را نیز برشمرد ، ولی این یازده ماده انواع عمده آنها میباشند .

اینها همه اشکال ظهور لیبرالیسم هستند .

لیبرالیسم در یک جمع انقلابی پدیده‌ایست بسیار زیانبخش . لیبرالیسم

بمنزله خوره ایست که یکپارچگی و وحدت را بتدریج میخورد ، پیوندها را میگسلد و موجب پاسیویته درکار و اختلاف نظر میگردد . لیبرالیسم بر باد دهنده تشکیلات محکم و انضباط پولادین صفوف انقلابی است ، مانع اجرای کامل رهنمودهای سیاسی است و بالاخره سازمانهای حزبی را از توده‌هائی که تحت رهبری حزب قرار دارند ، جدا و دور میسازد . این گرایش فوق‌العاده بدی است . لیبرالیسم از خودخواهی خرده‌بورژوائی سرچشمه میگیرد و منافع شخصی را بر مصالح انقلاب مقدم می‌شمرد بطوریکه این خود موجب سربلند کردن لیبرالیسم ایدئولوژیک ، سیاسی و تشکیلاتی میگردد .

لیبرالها باصول مارکسیسم بدیده دگمهای خشک تجریدی مینگرند . آنها مارکسیسم را میپسندند ولی حاضر نیستند آنرا بمرحله عمل در آورند و یا آنرا کاملاً بمرحله عمل در آورند ؛ آنها حاضر نیستند مارکسیسم را جایگزین لیبرالیسم خود نمایند . این اشخاص هم صاحب مارکسیسم خاص خودند و هم لیبرالیسم خویش را حفظ میکنند - آنها از مارکسیسم دم میزنند ولی بشیوه لیبرالیسم عمل میکنند ؛ در مورد دیگران مارکسیسم را بکار مینندند ولی در مورد خود لیبرالیسم را . در انبان آنها هم این موجود است و هم آن ، و هر کدام مورد استعمال ویژه‌ای دارد . چنین است شیوه تفکر برخی از افراد .

لیبرالیسم یکی از تظاهرات اپورتونیسیم است و از اساس با مارکسیسم در تضاد است . لیبرالیسم پدیده‌ایست منفی که اثرش بطور عینی فقط کمک بدشمن است ، بهمین جهت است که دشمن از وجود لیبرالیسم در میان ما خرسند میگردد . اینست ماهیت لیبرالیسم ؛ لیبرالیسم را در صفوف انقلاب بهیچوجه جائی نیست .

ما باید در پرتو روح مثبت مارکسیسم بر لیبرالیسم که منفی است ،

غلبه کنیم . يك کمونیست باید رك ، صادق و فعال باشد ، مصالح انقلاب را گرانبهاتر از جان خود بداند و منافع شخصی را تابع مصالح انقلاب نماید ؛ او باید همیشه و در همه جا بر روی اصول صحیح پافشاری کند و علیه هر گونه فکر و عمل نادرست بطور خستگی ناپذیر مبارزه نماید تا آنکه زندگی کلکتیو حزب را مستحکم و رابطه حزب را با توده‌ها استوار گرداند ؛ او باید به حزب و توده‌ها بیشتر از هر شخص دیگری توجه کند ؛ باید بدیگران بیشتر از شخص خود توجه کند . تنها در چنین صورتی است که او را میتوان يك فرد کمونیست نامید .

همه کمونیستهای وقادار ، صادق ، فعال و شرافتمند باید برای مبارزه علیه گرایشهای لیبرالی برخی از افراد متحد شوند و بکوشند آنانرا براه راست هدایت کنند . این یکی از وظایف ما در جبهه ایدئولوژیک است .

www.KetabFarsi.com

وظایف مبرم پس از برقراری همکاری میان گومیندان و حزب کمونیست

(۲۹ سپتامبر ۱۹۳۷)

در همان سال ۱۹۳۳ حزب کمونیست چین طی اعلامیه‌ای اظهار داشت که حاضر است با هر کدام از واحدهای ارتش گومیندان موافقت‌نامه‌ای درباره مقاومت در برابر ژاپن بر اساس سه شرط زیرین منعقد سازد : قطع حمله به ارتش سرخ ، دادن آزادی به توده‌های خلق و مسلح ساختن آنها . این کار به این علت صورت گرفت که پس از حادثه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱ مهمترین وظیفه خلق چین عبارت بود از مبارزه بر علیه حمله امپریالیسم ژاپن به چین . اما ما به هدف خود نائل نیامدیم .

در اوت ۱۹۳۵ حزب کمونیست چین و ارتش سرخ چین از همه احزاب و گروه‌ها و هموطنان سراسر کشور دعوت کردند که يك ارتش متحد ضد ژاپنی و يك دولت دفاع ملی برای مبارزه مشترك بر علیه امپریالیسم ژاپن تشکیل گردد (۱) . در دسامبر همان سال حزب کمونیست چین قطعنامه‌ای (۲) درباره تشکیل جبهه متحد ملی ضد ژاپنی با بورژوازی ملی به تصویب

رسانید . سپس در ماه مه ۱۹۳۶ ارتش سرخ تلگرافی (۳) را انتشار داد که در آن از دولت نانکن خواسته میشد که جنگ داخلی را بخاطر مبارزه مشترک بر علیه ژاپن قطع کند . در اوت همان سال کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نامه‌ای (۴) به کمیته اجرایی مرکزی گومیندان فرستاد و خواستار شد که گومیندان بجنگ داخلی خاتمه دهد و جبهه متحدی از دو حزب بخاطر مبارزه مشترک بر علیه امپریالیسم ژاپن بوجود آید . در سپتامبر همان سال حزب کمونیست قطعنامه‌ای (۵) درباره تشکیل جمهوری دموکراتیک واحدی در چین تصویب کرد . حزب کمونیست به حدود اعلامیه ، تلگراف ، نامه و قطعنامه‌ها اکتفا نکرد بلکه نمایندگان خود را فرستاد که بارها با طرف گومیندان مذاکره پرداختند ، ولی باز نتیجه‌ای بدست نیامد . فقط پس از وقوع حادثه سی ان در پایان ۱۹۳۶ نماینده تمام‌الختیار حزب کمونیست چین موفق شد در مذاکرات خویش با مسئول عمده گومیندان درباره مسئله مهم سیاسی آن زمان یعنی قطع جنگ میان دو حزب بمواقتت برسد و به حل مسالمت‌آمیز حادثه سی ان نائل آمد . این امر واقعه بزرگی در تاریخ چین بود و از آن گه زمینه لازمی برای تجدید همکاری بین دو حزب فراهم آمد .

در ۱ فوریه امسال در آستانه سومین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان ، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بخاطر آنکه همکاری بین دو حزب بطور مشخص برقرار شود ، تلگرافی (۶) متضمن پیشنهادهای تفصیلی به این پلنوم فرستاد . در این تلگراف طلب میشد که گومیندان این پنج تعهد را در قبال حزب کمونیست بپذیرد : قطع جنگ داخلی ، برقراری دموکراسی و آزادی ، دعوت مجلس ملی ، انجام سریع تدارک جنگ مقاومت ضد ژاپنی و بهبود شرایط زندگی خلق . ضمناً حزب کمونیست چین این

چهار تعهد را در برابر گومیندان بدوش خود گرفت : خاتمه دادن به آنتاگونیسم بین دو رژیم ، تغییر نام ارتش سرخ ، برقراری رژیم دموکراتیک نوین در مناطق پایگاه انقلابی و قطع مصادره اراضی مالکان ارضی . این نیز گام مهم سیاسی بود که برداشته شد زیرا که در غیر این صورت بدون تردید برقراری همکاری بین دو حزب به تأخیر میافتاد و این امر بانجام سریع تدارك جنگ مقاومت ضد ژاپنی صدمه بسیاری میرساند .

از این پس دو حزب در مذاکرات خود يك قدم نزدیکتر شدند . حزب کمونیست چین در کلیه مسائلی از قبیل تنظیم برنامه سیاسی مشترك دو حزب ، لغو ممنوعیت نهضت توده‌ای ، رهائی زندانیان سیاسی و تغییر نام ارتش سرخ پیشنهادهای مشخصتری ارائه داد . اگر چه انتشار برنامه سیاسی مشترك ، لغو ممنوعیت نهضت توده‌ای و برسمیت شناختن رژیم نوین در مناطق پایگاه انقلابی تاکنون هنوز عملی نشده ، اما فرمان تغییر نام ارتش سرخ به ارتش هشتم از ارتش انقلابی ملی (این ارتش طبق نمره گذاری واحدهای ارتش که در جبهه مقاومت ضد ژاپنی در نبردند ، ارتش هجدهم هم نامیده میشود) تقریباً يك ماه پس از سقوط بی پین و تیآنزین انتشار یافته است . مانیفست کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره برقراری همکاری میان دو حزب ، مانیفستیکه در همان ۱۵ ژوئیه به گومیندان داده شد ، و متن مصاحبه چانکایشك درباره قانونی کردن حزب کمونیست چین که طبق موافقت قبلی میبایست بلافاصله پس از مانیفست مذکور منتشر شود ، بالاخره انتشار یافته‌اند (اگر چه با تأخیر زیاد که نمیتواند باعث تأسف نگردد) ؛ انتشار اینها بوسیله خبرگزاری مرکزی گومیندان به ترتیب در ۲۲ و ۲۳ سپتامبر در لحظه پرتشنج وضع در جبهه صورت گرفت . در مانیفست حزب کمونیست و در مصاحبه چانکایشك اعلام میشد که بین

دو حزب همکاری برقرار گردیده است و باین طریق پایه لازم برای این امر خطیر گذاشته شد که دو حزب بنام نجات میهن بمبارزه مشترک پردازند . مانیفست حزب کمونیست نه فقط بمنزله رهنمود اتحاد دو حزب بکار خواهد آمد بلکه بمنزله رهنمود اساسی اتحاد عظیم همه خلق خواهد بود . چانکایشک در مصاحبه خویش قانونیت حزب کمونیست را در کشور پذیرفت و به ضرورت اتحاد بخاطر نجات میهن اشاره کرد ، این خیلی خوب است ؛ معذک چانکایشک از تکبری که خاص گومیندان است ، دست نکشید و میل لازم بانتقاد از خود نشان نداد . این نمیتواند ما را راضی کند . باوجود این برقراری جبهه متحد دو حزب هم اکنون اعلام شده است . این امر دوران جدیدی در تاریخ انقلاب چین میگشاید . این امر بر انقلاب چین تأثیرات عظیم و بس عمیقی خواهد گذاشت و در شکست امپریالیسم ژاپن نقش قاطع خواهد داشت .

از سال ۱۹۲۴ بعد مناسبات میان گومیندان و حزب کمونیست در انقلاب چین نقش قاطع داشته است . انقلاب سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ در نتیجه همکاری دو حزب بر اساس برنامه معینی صورت گرفت . فقط در عرض دو سه سال کامیابی های بزرگی در انقلاب ملی بدست آمد ، انقلابی که دکتر سون یاتسن چهل سال از زندگی خویش را در راه آن گذاشته ولی نتوانسته بود آن را پایان رساند ؛ مظهر این کامیابی ها ایجاد منطقه پایگاه انقلابی در گوان دون و پیروزی لشگرکشی بشمال بود . این بود ثمره تشکیل جبهه متحد دو حزب . اما بعضی از اشخاص نتوانستند به اصول انقلابی وفادار بمانند و از همان لحظه ای که انقلاب پایان خود نزدیک بود ، جبهه متحد دو حزب را شکافتند و این امر به شکست انقلاب منجر شد و به دشمن خارجی امکان داد که به هجوم پردازد . این بود نتیجه تجزیه

جبهه متحد دو حزب . جبهه متحدی که اینک دو باره از دو حزب تشکیل شده است ، نشانه آغاز دوره نوین انقلاب چین است . اگر چه بعضی ها هنوز وظایف تاریخی و دورنماهای عظیم این جبهه متحد را درک نمیکنند و هنوز میپندارند که تشکیل آن چیز دیگری جز اقدامی اضطراری و موقتی نیست که برای حفظ ظاهر صورت گرفته است ، معذک چرخ تاریخ از طریق این جبهه متحد ، انقلاب چین را بسوی مرحله کاملاً نوینی به پیش خواهد راند . اینکه آیا چین بتواند از چنین بحران ملی و اجتماعی عمیق و خطیر کنونی بیرون آید ، وابسته به آن است که این جبهه متحد چه تکاملی خواهد یافت . قرائن مساعد جدیدی از هم اکنون در برابر ماست . قرینه اول آنستکه همینکه حزب کمونیست چین سیاست جبهه متحد را پیشنهاد کرد ، سیاست مذکور بیدرنگ مورد پشتیبانی قاطبه خلق قرار گرفت . این نشان میدهد که منویات خلق در چه جهت است . قرینه دوم آنستکه حل مسالمت‌آمیز حادثه سی ان و قطع جنگ میان دو حزب بیدرنگ باعث وحدت بیسابقه کلیه احزاب و گروه‌ها ، کلیه محافل اهالی و کلیه ارتش‌ها در کشور گردید ، اگر چه این وحدت از لحاظ مقتضیات مقاومت ضد ژاپنی هنوز بهیچوجه کافی نیست ، بویژه مسئله وحدت دولت و خلق تا امروز هنوز بطور اساسی حل نشده است . قرینه سوم و از همه روشن‌تر آنستکه جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمقیاس سراسر کشور آغاز گردیده است . وضع کنونی این جنگ نمیتواند ما را ارضا کند ، زیرا که اگر چه جنگ از لحاظ خصلت ملی است ، ولی هنوز به دولت و ارتش محدود است . ما از مدت‌ها پیش نشان داده‌ایم که با این طرز جنگ نمیتوان بر امپریالیسم ژاپن پیروز شد . ولی بهر حال ، جنگ مقاومت برضد اشغالگران یگانه در مقیاس سراسر کشور ، چنان جنگی که در عرض صد سال اخیر دیده نشده ، واقعاً از هم اکنون آغاز گردیده است .

این امر بدون برقراری صلح داخلی و همکاری دو حزب غیر ممکن بود. اگر در موقعی که جبهه متحد دو حزب شکافته شد تجاوزکاران ژاپنی باسانی و بدون شایک یک گلوله توانستند چهار استان شمال شرقی را بتصرف در آورند، اینک که جبهه متحد دو حزب مجدداً تشکیل یافته آنها دیگر نمیتوانند جز بقیمت نبردهای خونین یا اشغال سرزمین چین نائل آیند. قرینه چهارم انعکاسی است که در خارجه دیده میشود. توده‌های کارگران و دهقانان و احزاب کمونیستی سراسر جهان از سیاست مطروحه حزب کمونیست چین در مورد جبهه متحد ضد ژاپنی پشتیبانی میکنند. خلقهای سراسر جهان، بویژه اتحاد شوروی پس از برقراری همکاری بین گومیندان و حزب کمونیست بازهم مجدانه‌تر به چین کمک خواهند کرد. هم‌اکنون چین و اتحاد شوروی قرارداد عدم تجاوز متقابل را منعقد ساخته‌اند (۷) و میتوان امیدوار بود که روابط میان دو کشور در آینده بیش از پیش تحکیم شود. بنابر کلیه قرائن فوق ما میتوانیم تأیید کنیم که بسط جبهه متحد راه آینده تابناک و پر عظمتی را در برابر چین خواهد گشود، یعنی راه بسوی شکست امپریالیسم ژاپن و تشکیل جمهوری دموکراتیک واحد در چین.

ولی جبهه متحد اگر در وضع کنونی خود منجمد بماند، نمیتواند این وظیفه بزرگ را بانجام برساند. باید جبهه متحد دو حزب را تکامل بخشید زیرا که جبهه متحد کنونی هنوز وسیع و محکم نیست.

آیا جبهه متحد ملی ضد ژاپنی فقط به گومیندان و حزب کمونیست محدود میشود؟ نه. این جبهه متحد جبهه متحد همه ملت است؛ دو حزب مذکور فقط قسمتی از این جبهه‌اند. جبهه متحد ملی ضد ژاپنی عبارتست از جبهه متحد همه احزاب، همه گروه‌ها، همه محافل اهالی و همه ارتش‌ها، جبهه متحد همه هموطنان میهن پرست یعنی کارگران،

دهقانان ، سربازان ، روشنفکران ، صاحبان صنایع و بازرگانان . جبهه متحد کنونی هنوز عملاً از حدود دو حزب خارج نشده است ، توده‌های وسیع کارگران ، دهقانان ، سربازان ، خرده بورژوازی شهری و بسیاری از هموطنان میهن پرست دیگر هنوز برانگیخته نشده ، بسیج نگردیده ، سازمان نیافته و مسلح نگشته‌اند . در حال حاضر این جدی‌ترین مسئله است . جدی است زیرا که اوضاع فعلی بما امکان پیروزی در جبهه نمیدهد . اینک نمیتوان پنهان داشت ، و هم لازم نیست که پنهان داشت که در جبهه شمال چین و نیز در جبهه استانهای جیان سو و جه جیان بحرانی جدی روی داده است . مسئله سر این است که چگونه باید بر این بحران غلبه کرد ؛ یگانه راه غلبه بر آن عبارتست از اجرای وصیت دکتر سون یاتسن : ” برانگیختن توده‌های مردم “ . دکتر سون یاتسن در وصیت‌نامه‌ای که در آستانه مرگ نگاشت ، متذکر شد که در اثر چهل سال تجربه باین اعتقاد راسخ رسیده است که هدف انقلاب فقط از این راه ممکن است بدست آید . پس بچه دلیل اشخاصی با چنین لجاجی از اجرای این وصیت خودداری میورزند ؟ بچه دلیل اشخاصی در چنین لحظه بحرانی که مسئله مرگ و زندگی میهن مطرح است ، هنوز تصمیم با اجرای این وصیت ندارند ؟ بر همه روشن است که سیاست تحکم و سرکوب با اصل ” برانگیختن توده‌های مردم “ منافات دارد . اگر فقط دولت و ارتش به جنگ مقاومت پردازند ، پیروزی بر امپریالیسم ژاپن مسلماً غیر ممکن خواهد بود . ما در این مورد در همان ماه مه سال جاری به حزب حاکم یعنی گومیندان با بانگ بلند هشدارباش دادیم و متذکر شدیم که اگر خلق بچنگ مقاومت برنخیزد ، کشور ما بسرنوشت حبشه گرفتار خواهد آمد . این مطلب را نه فقط کمونیستهای چین بلکه بسیاری از هموطنان مترقی ما در اکناف مختلف کشور و همچنین

عده زیادی از اعضای بصیر گومیندان نیز متذکر شدند . معذک سیاست
 تحکم همچنان دست نخورده ماند . در نتیجه دولت و ارتش از خلق
 و فرماندهان ارتش از رزمندگان بریده شده‌اند . اگر جبهه متحد با شرکت
 توده‌های خلق وسیع نگردد ، بحران در جبهه بناچار رو به حدت خواهد رفت
 نه رو به تخفیف .

جبهه متحد ضد ژاپنی کنونی هنوز تا امروز دارای يك برنامه سیاسی
 که از طرف هر دو حزب برسمیت شناخته شده و رسماً انتشار یافته باشد ،
 برنامه‌ای که جانشین سیاست تحکم گومیندان گردد ، نیست . اکنون
 نیز طرز رفتار گومیندان با توده‌های خلق همان است که در طی ده سال
 اخیر بود ؛ از دستگاه‌های دولتی ، از سیستم ارتش و از سیاست نسبت به
 توده‌های خلق گرفته تا سیاست‌ها در زمینه‌های امور مالی ، اقتصادی و
 آموزش و پرورش و غیره بطور کلی بهیچوجه تغییری در شیوه‌ها داده
 نشده است ، همان شیوه‌هایی که طی ده سال اخیر بکار میرفت ، بکار میرود .
 تغییراتی روی داده و تغییرات مهمی هم روی داده است - قطع جنگ داخلی
 و اتحاد برای مقاومت ضد ژاپنی . قطع جنگ داخلی میان دو حزب و آغاز
 جنگ مقاومت ضد ژاپنی در سراسر کشور تغییر بسیار بزرگی است که پس
 از حادثه می آن در اوضاع سیاسی چین روی داده است . ولی هنوز شیوه‌های
 فوق‌الذکر تغییر نیافته و در نتیجه میان آنچه بدون تغییر مانده و آنچه
 تغییر پذیرفته عدم هم‌آهنگی بوجود آمده است . شیوه‌های سابق فقط برای
 اجرای سیاست سازشکارانه در خارج و برای سرکوب انقلاب در داخل کشور
 سازگار بود . اینک که این شیوه‌ها برای مقابله با حمله امپریالیسم ژاپنی
 نیز بکار میروند ، بی‌ارزشی آنها در هر قدم عریان و همه نقاط ضعف آنها
 آشکار میگردند . اگر نمیخواهی بجنگ مقاومت ضد ژاپنی پردازی ، گفتگ

بیحاصل است. ولی اگر میخواهی و هم عملاً بچنین جنگی پرداخته‌ای و در عین حال با بحران جدی روبرو گشته‌ای، در آن صورت هرگز با شیوه‌های نو بکار نپردازی خطرانی که در کمین است، غیر قابل تصور است. برای مقاومت ضد ژاپنی جبهه متحد وسیعی لازم است و بنابر این باید همه خلق را بسیج کرد تا در جبهه متحد شرکت نماید. برای مقاومت ضد ژاپنی جبهه متحد محکمی لازم است و بنابر این باید برنامه مشترک داشت. این برنامه مشترک رهنمای عمل جبهه متحد است و در عین حال نوعی قید است که مانند طنابی اقدامات کلیه احزاب و گروه‌ها، قشرهای اهالی و ارتشها یعنی کلیه سازمانها و کلیه اشخاص را که جزو جبهه متحداند، مقید میسازد و فقط آن وقت است که میتوان از وحدت محکم سخن گفت. ما مخالف آن قیدهای کهنیم، زیرا که آنها مناسب جنگ انقلابی ملی نیستند. ما از وضع قیدهای نوینی بجای قیدهای کهن یعنی از اعلان برنامه مشترک و استقرار نظامات انقلابی استقبال میکنیم. این ضروری است و فقط اینست که جوابگوی مقتضیات جنگ مقاومت ضد ژاپنی است.

برنامه مشترک چیست؟ برنامه مشترک عبارت است از سه اصل خلق که دکتر سون یاتسن آورده و «برنامه ده ماده‌ای برای مقاومت در برابر ژاپن و بخاطر نجات میهن» (۸) که حزب کمونیست در ۲۵ اوت مطرح ساخته است.

حزب کمونیست چین در مانیفست خویش بمناسبت برقراری همکاری میان گومیندان و حزب کمونیست اظهار داشت: «سه اصل خلق که آورده دکتر سون یاتسن میباشد، امروز برای چین ضروری است و حزب ما آماده است بخاطر تحقق کامل آن مبارزه کند.» بعضی‌ها تعجب میکنند که حزب کمونیست آماده اجرای سه اصل خلق باشد که متعلق به گومیندان

است. میتوان جو چینگ لای (۹) را از شانگهای مثال آورد که در صفحات یکی از مطبوعات شانگهای در این باره اظهار تردید میکند. این اشخاص میپندارند که کمونیسم با سه اصل خلق سازگار نیست. برخورد آنها صوری است. کمونیسم در مرحله بعدی تکامل انقلاب تحقق خواهد یافت؛ کمونیستها در مورد تحقق کمونیسم در مرحله کنونی گرفتار تخیل میشوند بلکه خواستار آنند همانطور که سیر تکامل تاریخی تأیید میکند، انقلاب ملی و انقلاب دموکراتیک را به موقع اجرا گذارند. این انگیزه عمدتاً است که چرا حزب کمونیست پیشنهادی درباره ایجاد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و جمهوری دموکراتیک واحد عرضه داشته است. در مورد سه اصل خلق باید گفت که حزب کمونیست و گومیندان در ده سال پیش، در دوران نخستین جبهه متحد دو حزب یعنی در نخستین کنگره ملی گومیندان متفقاً تصمیم باجرای آنها گرفتند و سه اصل مذکور در سالهای ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ در قسمت بزرگی از سرزمین کشور ما بوسیله کلیه کمونیستهای فداکار و کلیه اعضاء فداکار گومیندان بموقع اجرا درآمد. متأسفانه در سال ۱۹۲۷ جبهه متحد تجزیه شد و از آن پس دوره مبارزه ده ساله گومیندان بر ضد اجرای سه اصل خلق آغاز گردید. ولی تمام سیاستهایی که حزب کمونیست در طی این ده سال در پیش گرفت، در اساس خود مانند سابق با روح انقلابی سه اصل خلق و سه اصل سیاسی اساسی دکتر سون یاتسن مطابقت داشتند. روزی نبود که حزب کمونیست با امپریالیسم مبارزه نکند، و این اجرای پیگیر اصل ناسیونالیسم است؛ همچنین دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان چیز دیگری نیست جز اجرای پیگیر اصل دموکراسی انقلاب ارضی نیز اجرای پیگیر اصل رفاه خلق است. پس چرا اینک حزب کمونیست اعراض خود را از دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان

و همچنین قطع مصادره اراضی مالکان ارضی را اعلام میدارد ؟ همانطور که مدتها پیش توضیح دادیم ، این کار بهیچوجه از آن جهت انجام نمیگیرد که چین رژیم و چنین اقداماتی بکلی لازم نیست بلکه از آن جهت انجام میگیرد که تهاجم مسلحانه امپریالیسم ژاپن در مناسبات میان طبقات در درون کشور موجب تغییراتی شده و وحدت قاطبه ملت ، همه محافل اهالی برای مبارزه با امپریالیسم ژاپن ضروری و ممکن گردیده است . نه فقط در چین بلکه در سراسر جهان ، ضرورت و امکان تشکیل جبهه متحد ضد فاشیستی برای مبارزه مشترک با فاشیسم بظهور رسیده است . از اینجهت ما در چین هرادار تشکیل جبهه متحد ملی دموکراتیک هستیم . بنا بر این اساس است که پیشنهاد کردیم بجای دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان جمهوری دموکراتیک بر پایه اتحاد کلیه محافل اهالی بنا شود . اجرای انقلاب ارضی طبق اصل ” زمین از آن کشتکار ” سیاستی است که در موقع خود بوسیله دکتر سون یاتسن مطرح شد ؛ اگر ما امروز از اجرای این سیاست دست میکشیم برای آنست که تعداد باز هم بیشتری از اشخاص را در مبارزه با امپریالیسم ژاپن وحدت بخشیم و نه برای آنکه چین به حل مسئله ارضی احتیاج ندارد . ما نظرات خود را درباره علل عینی تغییر این سیاست و اینکه تغییر مذکور مشروط به مقتضیات لحظه حاضر است ، کاملاً بصراحت بیان داشته‌ایم . درست بهمین جهت که حزب کمونیست چین یا تکیه به اصول مارکسیسم بطور پیگیر به برنامه مشترک نخستین جبهه متحد گومیندان و حزب کمونیست ، یعنی به سه اصل انقلابی خلق ، وفادار ماند و برنامه مذکور را تکامل بخشید ، توانست در لحظه حساسی که دشمن نیرومندی برمرزهای ما تهاجم کرده و خطر حادی بر سر راه ملت بود ، سیاست جبهه متحد ملی دموکراتیک یعنی

یگانه سیاستی را که میتواند کشور را از نیستی نجات دهد ، بموقع پیشنهاد کند و آن را بدون خستگی بتحقیق در آورد . حالا مسئله بر سر آن نیست که آیا حزب کمونیست به سه اصل انقلابی خلق ایمان دارد یا نه ، آنها را بموقع اجرا میگذارد یا نه ، بلکه برعکس مسئله بر سر آنستکه آیا گومیندان به سه اصل انقلابی خلق ایمان دارد یا نه ، آنها را بموقع اجرا میگذارد یا نه . اینک وظیفه آنستکه باید روح انقلابی سه اصل خلق را که دکتر سون یاتسن آورده است ، در سراسر کشور زنده گردانید ، بر اساس آنها برنامه و سیاست معینی تدوین کرد و صمیمانه نه منافقانه ، بطور ماهوی نه بطور صوری ، سریع و بدون دفع الوقت با اجرای آنها پرداخت ، و حزب کمونیست چین شب و روز از روی خلوص نیت برای آن دعا میکند . از اینجهت حزب کمونیست پس از حادثه لوگو چیاو « برنامه ده ماده ای برای مقاومت در برابر ژاپن و بخاطر نجات میهن » را مطرح ساخت . این برنامه ، هم با مارکسیسم و هم با سه اصل واقعاً انقلابی خلق مطابقت دارد . این برنامه ابتدائی برای انقلاب چین در مرحله کنونی یعنی در مرحله جنگ انقلابی ملی مقاومت ضد ژاپنی است . فقط با اجرای آن میتوان چین را نجات داد . کسی که همچنان برخلاف این برنامه عمل کند ، از تاریخ مجازات خواهد دید . اجرای این برنامه در مقیاس سراسر کشور بدون موافقت گومیندان ممکن نیست ، زیرا که گومیندان هنوز بزرگترین حزب چین و حزب حاکم است . ما برآنیم که زمانی فرا خواهد رسید که اعضاء بصیر گومیندان با این برنامه موافقت خواهند کرد . زیرا که اگر موافقت نکنند ، سه اصل خلق همچنان بصورت عبارتی پوچ و بی معنی باقی خواهد ماند و احیاء روح انقلابی دکتر سون یاتسن میسر نخواهد شد ، پیروزی بر امپریالیسم ژاپن غیر ممکن خواهد گردید و خلق چین نخواهد توانست از سرنوشت بردگان

بدون میهن برهد . بدون تردید اعضاء واقعاً بصیر گومیندان خواستار چنین چیزی نیستند ، و قاطبه خلق هم هرگز دست روی دست نخواهد گذاشت که تا آخرین نفر بصورت بردگان بدون میهن در آید . بعلاوه آقای چانگایشک در مصاحبه خویش در ۲۳ سپتامبر چنین اظهار داشت : ” بعقیده من ما نه بخاطر موجبات شخصی و انگیزه‌های خودخواهانه بلکه بنام تحقق سه اصل خلق بهواداری انقلاب برخاسته‌ایم . بویژه در این لحظه بحرانی که مسئله زندگی و مرگ کشور مطرح است ، ما نباید از گذشته یاد کنیم بلکه باید باتفاق قاطبه خلق به تجدد کامل نائل آئیم و با تمام قوا در راه وحدت بکوشیم تا حیات و بقاء مملکت را نگهداریم . “ این کاملاً صحیح است . اکنون وظیفه فوری عبارت است از تحقق سه اصل خلق ، اعراض از انگیزه‌های خودخواهانه افراد جداگانه و یا گروه‌های کوچک ، اعراض از شیوه‌های کهن ، اجرای فوری برنامه انقلابی که با سه اصل خلق مطابقت دارد ، و تجدد کامل باتفاق خلق . در حال حاضر این یگانه راه است . اگر باز هم تأخیر شود ، کار از کار میگذرد .

ولی برای اجرای سه اصل خلق و برنامه ده ماده‌ای ، افزار مناسبی لازم است ، و بهمین مناسبت مسئله نوسازی دولت و ارتش مطرح میشود . دولت کنونی همچنان دولت دیکتاتوری حزب واحد گومیندان است نه دولت جبهه متحد ملی دموکراتیک . تحقق بخشیدن به سه اصل خلق و برنامه ده ماده‌ای بدون دولت جبهه متحد ملی دموکراتیک غیرممکن است . در ارتش گومیندان هنوز سیستم کهن برقرار است و با ارتشی که در آن چنین سیستمی برقرار باشد ، نمیتوان بر امپریالیسم ژاپن فایق آمد . الان ارتش‌ها با اجرای وظایف جنگ مقاومت مشغول‌اند و ما نسبت بهمه این ارتش‌ها و بویژه پارتشهایی که در جبهه پیکار میکنند ، احترام بسیار داریم . اما سیستم

ارتش گومیندان برای بدست آوردن پیروزی قطعی بر تجاوزکاران ژاپنی مناسب نیست ، برای اجرای موفقیت‌آمیز سه اصل خلق و برنامه انقلابی مناسب نیست . لازم است آنها را تغییر داد . تجربه سه ماه جنگ مقاومت گواه بر این امر است . باید این اصول را بعنوان پایه تغییرات لازم پذیرفت : وحدت افسران و سربازان ، وحدت ارتش و خلق . سیستم کنونی ارتش گومیندان از ریشه با این دو اصل مغایرت دارد . توده‌های وسیع افسران و سربازان فداکار و دلاوراند ، ولی سیستم کهن دست و پای آنها را بسته است و بآنها امکان بسط فعالیت نمیدهد ، و از این جهت هر چه زودتر باید سیستم کهن را از نو ساخت . این بان معنی نیست که باید عملیات جنگی را متوقف کرد و فقط پس از آنکه سیستم ارتش از نو ساخته شد ، آنها را از سر گرفت . سیستم کنونی را میتوان در همان جریان جنگ تغییر داد . وظیفه مرکزی عبارت از آن است که روح سیاسی ارتش و کار سیاسی در ارتش تغییر پذیرد . از این لحاظ میتوان ارتش انقلابی ملی دوران لشکرکشی بشمال را سرمشق قرار داد ، زیرا این ارتشی بود که وحدت افسران و سربازان ، وحدت ارتش و خلق علی‌الاصول در آن تحقق یافته بود . کاملاً لازم است که روح آن زمان در ارتش احیا شود . چین باید درس‌های جنگ اسپانیا را که در آنجا ارتش جمهوریبخواهان در شرایط بسیار دشواری بوجود آمد فرا گیرد . شرایط چین بهتر از شرایط اسپانیا است ، معذک چین جبهه متحد وسیع و محکمی ندارد ، دولت چین جبهه متحدی که بتواند برنامه انقلابی را تمام و کامل اجرا کند ندارد و ارتش کثیرالعهده‌ای با سیستم نوین ندارد . چین باید همه این خلاها را پرکند . ارتش سرخ که بدست حزب کمونیست چین رهبری میشود ، عجبالتاً فقط میتواند در مجموعه جنگ مقاومت ضد ژاپنی نقش پیش‌آهنگ بازی کند و هنوز نمیتواند در جنگ بمقیاس سراسر کشور نقش

قطعی داشته باشد. ولی برخی از برتری‌های سیاسی، نظامی و سازمانی او شایسته آن است که سرمشق همه ارتش‌های دوست در کشور قرار گیرد. این ارتش هم از روز نخست مثل امروز نبود. در موقع خود در این ارتش هم کار عظیم نوسازی صورت گرفت: عمده عبارت از این بود که در درون آن روش‌های فتودالی ریشه کن شود و اصول وحدت افسران و سربازان و وحدت ارتش و خلق بموقع اجرا گذاشته گردد. این تجربه میتواند برای کلیه ارتش‌های دوست در کشور سرمشق آموزنده‌ای باشد.

همرزمان جنگ مقاومت ضد ژاپنی، اعضای حزب حاکم گومپندان! امروز ما و شما مسئولیت نجات میهن از انقیاد و تأمین بقا را برعهده داریم. هم اکنون شما با ما جبهه متحد ضد ژاپنی را تشکیل داده‌اید و این خیلی خوب است. شما بجز مقاومت ضد ژاپنی مشغولید و این نیز خیلی خوب است. ولی ما موافق نیستیم که شما سیاست کهن را در زمینه‌های دیگر ادامه دهید. ما باید جبهه متحد را تکامل بخشیم، آن را وسیع‌تر گردانیم و توده‌های مردم را بان جلب کنیم. باید آن را استحکام بخشیم و برنامه مشترک را عملی سازیم. باید تصمیم بگیریم که رژیم سیاسی و سیستم ارتش تغییر پذیرد. کاملاً لازم است که دولت جدیدی ایجاد گردد. فقط با وجود چنین دولتی میتوان برنامه انقلابی را اجرا کرد و به نوسازی ارتش در مقیاس سراسر کشور پرداخت. این پیشنهاد ما خواست دوران کنونی است. در حزب شما نیز اشخاص زیادی هستند که حس میکنند دیگر موقع بر آوردن این خواست فرا رسیده است. دکتر سون یاتسن در ایام خودش بنوسازی رژیم سیاسی و سیستم نظامی تصمیم گرفت و باین طریق اساس انقلاب سالم‌های ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ گذاشته شد. امروز مسئولیت همان کار نوسازی برعهده شما است. تصور می‌رود که آن اعضای گومپندان که میهن خود را صمیمانه